

مفهوم "ربط"^۱ در بازیابی از نظام‌های اطلاعاتی

نجلا حریری^۲

چکیده: مرتبط بودن مدارک با نیاز اطلاعاتی در بازیابی از نظام‌های اطلاعاتی مقوله‌ای است که به مدت چندین دهه از دیدگاه‌های گوناگون مورد بررسی قرار گرفته است. مقاله حاضر ضمن ارائه تعاریف روشنی از مفهوم ربط، دیدگاه‌های عینی و ذهنی و نیز انطباق نظریه "ربط روان‌شناختی" را با این مقوله مطرح کرده، توجه مراکز اطلاع‌رسانی را به جنبه‌های مخنلف ربط در بازیابی از نظام‌های اطلاعاتی جلب می‌نماید و خاطر نشان می‌سازد که نادیده گرفتن اهمیت و ظرافت این مفهوم بنیادین نظام‌های اطلاعاتی، کارایی این نظام‌ها را محدود خواهد نمود.

مقدمه

نظام‌های بازیابی اطلاعات از هر نوع و در هر سطح از پیچیدگی، هدف بنیادی مشترکی را دنبال می‌کنند و آن ارائه مدرک یا اطلاعات مرتبط با درخواست یا نیاز اطلاعاتی استفاده‌کننده آن نظام‌هاست. مفهوم ربط، که از همان ابتدای پیدایش کتابخانه‌های دوران باستان در فلسفه وجودی این مراکز مستقر بوده، با ظهور نظام‌های پیچیده بازیابی اطلاعات، موضوع بحث‌های نظری و پژوهش‌های تجربی بسیار متعددی بوده است. هدف نظام‌های بازیابی اطلاعات، بازیابی همه اطلاعات مرتبط، در عین ممانعت از بازیابی اطلاعات غیرمرتبط است و مفهوم ربط، در واقع هسته کلیه فعالیت‌های طراحی نظام‌های اطلاعاتی و ارزیابی این نظام‌هاست.

۱. اصطلاح "ربط" در این مقاله معادل **Relevance** در نظر گرفته شده است. با توجه به اینکه در زبان فارسی معادل پذیرفته شده‌ای برای **Relevance** که مقبولیت عام داشته باشد وجود ندارد و این واژه به معنای مرتبط بودن، میزان مرتبط بودن ارتباط و ربط به کار می‌رود، نگارنده جهت رعایت ایجاز، واژه ربط را معادل **Relevance** بکار برده است. این برابر فارسی را تا آنجا که می‌دانم آقای دکتر عباس حری به کار برده‌اند.

۲. دانشجوی دکتری کتابداری و اطلاع‌رسانی دانشگاه آزاد اسلامی

تاریخچهٔ ربط می‌تواند قرن‌ها پیش با فعالیت اولین کتابخانه‌ها آغاز شده باشد. اولین استفاده‌کنندگان کتابخانه‌ها نیز با مسئلهٔ یافتن اطلاعات مرتبط مواجه بوده‌اند. این مفهوم که در آن دوره به‌طور ضمنی و مبهم در مباحث و مطالعات وجود داشته، از دههٔ ۱۹۳۰ به صورت روشن و شفاف مطرح گردیده است. برادفورد اولین کسی بود که در دههٔ ۱۹۳۰ و ۱۹۴۰ دربارهٔ ارتباط مقالات با زمینه‌های موضوعی خاص مطالبی را عنوان کرد^(۱). به دنبال آن، مورتمر تاب^۱ و دیگران در دههٔ ۱۹۵۰ اولین نظام‌های بازیابی اطلاعات را بنا نهادند و در جریان کار با این نظام‌ها، ملاحظه شد که پاره‌ای از مدارک بازیابی شده، به موضوع مورد جست‌وجو مربوط نمی‌شوند. بدین ترتیب مفهوم مرتبط بودن مدارک بازیابی شده با درخواست یا نیاز اطلاعاتی به روشنی مطرح گردید.

ربط چیست؟

ربط که معیاری برای ارزیابی نظام‌های بازیابی اطلاعات و کارآئی کاوش‌های انجام شده است و به وسیله دو ملاک جامعیت^۲ و مانعیت^۳ سنجیده می‌شود، در یک تعریف ساده عبارت از "میزان مرتبط بودن مدرک با نیاز اطلاعاتی" است. میزارو^۴ در تعریفی جامع‌تر، ربط را عبارت از ارتباط بین دو موجودیت از دو گروه می‌داند. گروه اول شامل سه موجودیت زیر است:

۱. مدرک: موجودیتی فیزیکی که استفاده‌کنندهٔ نظام بازیابی اطلاعات، پس از جست‌وجوی اطلاعات آن را به دست خواهد آورد.

۲. جانشین مدرک: نماینده‌ای از یک مدرک که ممکن است اشکال متفاوتی داشته باشد و می‌تواند یک یا چند مورد از موارد زیر باشد: عنوان، کلید واژه‌ها، نام مؤلف، اطلاعات کتاب‌شناختی (تاریخ یا محل نشر، ناشر، شماره صفحات و غیره)، چکیده، خلاصه (مجلات) از مدرک) و غیره...

۳. اطلاعات: آنچه که استفاده‌کننده با مراجعه به مدرک دریافت می‌کند.

گروه دوم شامل چهار موجودیت زیر است:

۱. مسئله: مشکلی که فرد با آن روبروست و برای حل شدن نیاز به اطلاعات دارد.

۲. نیاز اطلاعاتی: تجلی مسئله در ذهن استفاده‌کننده؛ و این با خود مسئله تفاوت دارد، زیرا ممکن است استفاده‌کننده مشکل خود را به درستی درک نکرده باشد.

1. Mortimer Taube

2. Recall

3. Precision

4. Mizzaro

5. Document Surrogate

۳. درخواست: بیان نیاز اطلاعاتی استفاده‌کننده به صورت زبانی و معمولاً به زبان طبیعی
۴. پرسش: بیان نیاز اطلاعاتی به زبان سیستم مانند منطق بول
حال ربط را می‌توان به عنوان ارتباط میان دو موجودیت هر کدام از یک گروه تعریف کرد. مثلاً ارتباط یک جانشین مدرک با یک پرسش، یا ارتباط یک مدرک با یک درخواست و یا ارتباط اطلاعات دریافت شده با نیاز اطلاعاتی و غیره. به گفته میزارو اینها تمام انواع ربط نیستند و موجودیت‌های یاد شده می‌توانند به اجزا زیر تجزیه شوند.
الف: موضوع، که به زمینه موضوعی مورد علاقه استفاده‌کننده اشاره می‌کند. مثلاً موضوعی مانند ربط در اطلاع‌رسانی.

ب: وظیفه، که به فعالیتی برمی‌گردد که استفاده‌کننده، با استفاده از مدرک بازیابی شده صورت خواهد داد. مثلاً نوشتن مقاله‌ای در مورد موضوعی خاص.

ج: زمینه، که شامل تمام مواردی است که به موضوع و وظیفه مربوط نمی‌شوند، ولی به نحوی بر شیوه انجام کاوش و ارزیابی نتایج اثر می‌گذارند. مثلاً مدارکی که استفاده‌کننده قبلاً با آنها آشنا بوده (و از این رو ارزش بازیابی مجدد را ندارد)، زمان و هزینه کاوش و غیره^(۲).
ساراسویک^۱ نیز به دنبال بررسی جامعی از تعاریف ارائه شده از ربط، الگوی مشخصی را تشخیص می‌دهد. وی اجزای تشکیل دهنده کلیه تعاریف‌ها را در ۵ گروه از الف تا ه دسته‌بندی می‌کند و معتقد است که در حالت کلی، ربط عبارت است از: (الف) از یک (ب) که بین یک (ج) و (د) وجود دارد و به وسیله (ه) تعیین می‌شود:

الف: اندازه، درجه، بُعد، تخمین، برآورد

ب: مطابقت، کاربرد، همخوانی، پیوستگی، جوړبودن، نسبت، توافق

ج: مدرک، مقاله، متن، مرجع، اطلاعات ارائه شده، واقعیت

د: پرسش، درخواست، اطلاعات مورد نیاز، دیدگاه، کاربرد اطلاعات، بیان نیاز اطلاعاتی

ه: فرد، قضاوت‌کننده، متقاضی، متخصص اطلاعات

هسته ربط در نظام‌های بازیابی اطلاعات به بندهای (ب)، (ج) و (د) برمی‌گردد و در واقع (ج) بیان‌کننده اطلاعات بازیابی شده و (د) مبین نیاز اطلاعاتی استفاده‌کننده آن اطلاعات است. بند (ب) به خود ربط از نظر ذات و ماهیت آن نظر دارد که همان ارتباط یا به عبارت بهتر یک رابطه ویژه در زمینه بازیابی متون است. یعنی رابطه بین متن و نیاز استفاده‌کننده که این متن از جهتی برای او مفید واقع می‌شود. مثلاً از نظر ارائه اطلاعاتی که در بردارد و یا از جهت بصیرتی

که در وی برمی‌انگیزد^(۳).

دو نگرش متفاوت به "ربط"

ربط از دو دیدگاه متفاوت عینی و ذهنی مورد بررسی قرار گرفته است. نگرش عینی، وضعیت خاص دانش استفاده‌کننده در حال انجام کاوش را مورد توجه قرار نمی‌دهد. یک مدرک می‌تواند مربوط باشد حتی اگر استفاده‌کننده قبلاً با آن آشنا باشد یا در کاوش‌های قبلی خود آن را به دست آورده باشد. در مقابل، نگرش ذهنی نه تنها محتوای مدرک، بلکه موقعیت دانش استفاده‌کننده در زمان کاوش را مدنظر دارد و متکی به کاربرد هر عنوان برای استفاده‌کننده است. از این دیدگاه، مدرک ممکن است در صورت همخوانی با موضوع مورد درخواست، "مربوط"^۱ تلقی گردد ولی با نیاز استفاده‌کننده "منطبق"^۲ نباشد؛ یعنی استفاده‌کننده قبلاً با آن آشنا بوده یا اسناد دیگری در اختیار داشته باشد که آن را پوشش داده باشند. از این دیدگاه، کلیه عناوین منطبق، در واقع مربوط هستند ولی برعکس این قضیه صادق نیست^(۴). به این ترتیب در پژوهش‌های اخیر، مسئله ربط، از دو دیدگاه فوق مورد توجه بوده است. در نگرش عینی، تأکید عمده در واقع بر نظام‌های بازبایی اطلاعات و در نگرش ذهنی بر استفاده‌کنندگان از نظام‌هاست. دیدگاه نخست محتوای مدرک را مدنظر قرار می‌دهد و مدارک مربوط، توسط نظام بازبایی اطلاعات، بر اساس همخوانی موضوع سند با موضوع درخواست متقاضی تعیین می‌شوند. دیدگاه دوم کاربرد مدارک است و در عین حال که ربط موضوعی را عامل مهمی در تعیین منابع مربوط می‌داند، در این فرایند متغیرهای دیگری را نیز (مانند روزآمد بودن، دسترس‌پذیری، کیفیت منبع و غیره) تشخیص می‌دهد که برداشت استفاده‌کننده را از ارتباط مدارک بازبایی شده تحت تأثیر قرار می‌دهند.

باری^۳، علاوه بر موضوع، ۲۳ ملاک دیگر را شناسایی می‌کند که بر ارتباط مدرک با نیاز اطلاعاتی تأثیر می‌گذارند. وی این ۲۳ ملاک را در ۷ گروه زیر طبقه‌بندی می‌کند:

۱) محتوای اطلاعاتی مدرک (۲) تجارب و سابقه ذهنی استفاده‌کننده (۳) باورها و علایق استفاده‌کننده (۴) سایر اطلاعات و منابع موجود در محیط (۵) مآخذ مدارک (۶) مدرک به عنوان موجودیتی فیزیکی (۷) موقعیت و شرایط خود استفاده‌کننده^(۵).

لنکستر^۴ نیز مقوله ربط و انطباق را مورد توجه قرار داده، معتقد است که وجود رابطه میان

1. Relevant

2. Pertinent

3. Barry

4. Lancaster

مدرک و درخواست، در صورتی که توسط استفاده‌کننده قضاوت شود، انطباق نام می‌گیرد و همین رابطه در صورت قضاوت افرادی غیر از استفاده‌کننده، ربط خوانده می‌شود^(۶). به عقیده سورجل^۱ هر موجودیت زمانی "ربط موضوعی" دارد که اصولاً بتواند در پاسخ به سؤال مطرح شده مفید واقع شود و زمانی "منطبق با نیاز" است که علاوه بر ربط موضوعی، برای آن استفاده‌کننده خاص مناسب نیز باشد (مثلاً استفاده‌کننده بتواند آن را بفهمد و اطلاعات کسب شده را به کار بندد) و بالاخره هر موجودیت، زمانی "کاربرد" دارد که در عین منطبق بودن با نیاز استفاده‌کننده، اطلاعات جدیدی (نه اطلاعاتی که از قبل می‌دانست) برای وی فراهم سازد^(۷).

نظریه "ربط روان‌شناختی" و نظام‌های اطلاعاتی

اسپربر^۲ و ویلسون^۳ نظریه‌ای موسوم به ربط روان‌شناختی در سال ۱۹۸۶ ارائه دادند. این نظریه هر چند که در حوزه روابط انسانی و در زمینه میزان مربوط بودن شنیده‌ها به شنوندگان، مطرح شده است، همان‌طور که اشاره خواهد شد در مورد بازیابی از نظام‌های اطلاعاتی نیز صدق می‌کند. عصاره نظریه اسپربر و ویلسون این است که در هر مکالمه، تفسیر آنچه طرف مقابل می‌گوید عبارت است از افزودن گمان‌ها یا انگاره‌های طرح شده توسط طرف مقابل، به مجموعه تصوراتی که از قبل در ذهن شنونده وجود دارد. این مجموعه که از قبل در ذهن موجود است "زمینه" خوانده می‌شود. زمینه، یک ساختار روان‌شناختی است که در بردارنده انگاره‌های فرد شنونده در آن زمان معین است. از آنجا که هر انگاره جدید که به فرد ارائه می‌شود ممکن است تصورات ذهنی او را تغییر دهد، زمینه حالتی پویا دارد که با ادامه سخنان طرف مقابل، تغییر می‌کند. آنچه که فرد می‌شنود چه اثری بر این زمینه می‌تواند داشته باشد؟ نخست، انگاره‌هایی که از قبل در زمینه موجود هستند، به همراه انگاره‌های ارائه شده در سخنان طرف مقابل، می‌توانند به صورتی منطقی در یک فرایند قیاسی، انگاره‌های جدیدی به وجود آورند. به این ترتیب، اطلاعات قبلی و جدید برای خلق اطلاعات تازه با هم در می‌آمیزند. دیگر این که انگاره جدید می‌تواند یک یا چند انگاره پیشین را از زمینه بزدايد و سوم این که انگاره جدید می‌تواند موجب تقویت یا تضعیف یک یا چند انگاره در زمینه گردد. علاوه بر این ممکن است اطلاعات جدید هیچ اثری بر زمینه نداشته باشند، یعنی انگاره‌های موجود در زمینه را به هیچ صورتی تغییر ندهند. حال با توجه به مقدمه فوق، ربط به عنوان یک مفهوم نظری روان‌شناختی به صورت "رابطه میان یک انگاره و یک زمینه" تعریف می‌شود. به گفته اسپربر و ویلسون، شرط ضروری برای

این‌که یک انگاره به یک زمینه، مربوط تلقی شود، اثرگذاری آن بر روی زمینه است. به این ترتیب که انگاره‌های جدیدی استنتاج شوند یا تصویری که از قبل وجود داشت از بین برود و یا تصورات موجود تقویت یا تضعیف گردند. براساس این نظریه، میزان مربوط بودن یک انگاره به یک زمینه، به وسعت این اثرگذاری بستگی دارد و علاوه بر آن، هر اندازه که پردازش انگاره عرضه شده مستلزم تلاش کمتری باشد، میزان ارتباط بیشتر است. اسپربر و ویلسون این تعاریف را به مربوط بودن "پدیده‌ها" نیز تعمیم داده، می‌گویند: یک پدیده زمانی به یک فرد مربوط است که یک یا چند انگاره آن به وی مربوط باشد و پس از آن که آن پدیده پردازش و درک شد، هر اندازه که اثرات زمینه‌ای آن بیشتر باشد، ارتباط آن نیز بیشتر است. پدیده محرکی است که ممکن است موجب بروز تغییرات شناختی در فرد گردد؛ بدین معنی که با نمایان‌تر کردن برخی انگاره‌ها یا با تقویت انگاره‌های موجود، محیط شناختی فرد را تغییر دهد. پدیده برای اینکه مربوط باشد، باید به‌عنوان یک محرک سبب شود که فرد از نظر شناختی، در جهت ساختن انگاره‌ای جدید و قراردادن آن در زمینه‌ای مناسب تلاش نماید و اگر این انگاره موجب بروز اثرات زمینه‌ای گردید، آن پدیده از سوی فرد، مربوط تشخیص داده می‌شود. اسپربر و ویلسون نظریه ربط روان‌شناختی را برای توضیح مفهوم ربط در ارتباط کلامی مطرح کردند؛ با این حال، این نظریه در بازیابی اطلاعات نیز قابل انطباق است. در تطبیق این نظریه روان‌شناختی با بازیابی اطلاعات، هارتر^۱ می‌گوید: وقتی کاوشی از یک نظام بازیابی اطلاعات صورت می‌گیرد و برون دادی مانند مدرک یا جانشین مدرک گرفته می‌شود، کاوش‌کننده باید دربارهٔ این برون داد قضاوت کند. این قضاوت‌ها در بازیابی اطلاعات، "قضاوت در مورد ربط"^۲ خوانده می‌شوند. براساس تعریف‌هایی که در مقاله‌های مختلف مطرح شده، ربط عبارت است از رابطه بین یک مدرک و یک پرسش که پرسش در واقع همان نمایش نیاز اطلاعاتی است. از طرف دیگر، وقتی رابطه بین مدرک و خود نیاز اطلاعاتی مطرح است، اصطلاح انطباق^۳ به جای ربط مطرح می‌شود. اینجا در واقع دیدگاه ذهنی مدنظر قرار می‌گیرد و مرتبط بودن امری ذهنی و شخصی است و باید توسط خود استفاده‌کننده قضاوت شود.

حال ببینیم ربط روان‌شناختی از نظر نظام‌های بازیابی اطلاعات چگونه تفسیر می‌شود. فرض کنید که اطلاعات کتاب‌شناختی مدارک یا خود مدارک یا هر اطلاعاتی که توسط نظام بازیابی اطلاعات عرضه می‌شود، به‌عنوان پدیده در نظر گرفته شود. این مدارک یا اطلاعات کتاب‌شناختی مدارک، زمانی برای فرد دارای ربط روان‌شناختی خواهد بود که همان شرایط ربط

در مورد پدیده‌ها را دارا باشد. حال، نیاز اطلاعاتی را همان موقعیت شناختی یا زمینه اولیه‌ای در نظر بگیرید که فرد هنگام استفاده از نظام اطلاعاتی در آن قرار دارد. از این دیدگاه، نیاز اطلاعاتی، مجموعه انگاره‌های فرد در هنگام شروع به کاوش است. یعنی همان موقعیت شناختی‌ای که انگیزه درخواست اطلاعات واقع می‌شود. همان‌طور که دیدیم این زمینه یا موقعیت شناختی، حالتی پویا دارد و کشف هر مدرک مرتبط، سبب بروز اثرات زمینه‌ای می‌گردد. پس نیاز اطلاعاتی ایستا نیست، بلکه همان موقعیت شناختی‌ای است که فرد هر لحظه در آن قرار می‌گیرد و در واقع لحظه به لحظه نو می‌شود. بیان کلامی نیاز اطلاعاتی، یعنی اظهار این موقعیت شناختی که مجموعه‌ای از انگاره‌هاست، اگر نگوییم غیرممکن، فوق‌العاده دشوار است؛ و اگر قادر به این کار هم باشیم، آنچه می‌گوییم در معرض تغییرات بسیاری است. البته افراد می‌توانند با ساختن عبارت‌های کلامی، نیاز را برای نظام اطلاعاتی مطرح کنند، اما چنین عبارت‌هایی بسیار متفاوت از خود نیاز اطلاعاتی است. نیاز اطلاعاتی درست مانند موقعیت شناختی فرد، نیز به تنها شامل بیان موضوع مورد درخواست فرد، بلکه شامل سایر انگاره‌های موجود در "زمینه" نیز هست. این انگاره‌ها می‌توانند شامل چنین سؤالاتی باشند: چه حقایقی را در مورد این موضوع می‌دانم؟ چه عناصری از گذشته و محیط من با این درخواست در ارتباط است؟ از نظر کلامی، ریاضی و تحلیلی چه مهارت‌هایی دارم و این مهارت‌ها در تفسیر من از منابعی که جایابی می‌کنم چگونه اثر خواهد گذاشت؟ در مورد موضوعات وابسته چه می‌دانم و چه می‌خواهم بدانم؟ و غیره. هر چند که مصاحبه مرجع پاره‌ای از این سوال‌ها را تا حدی روشن می‌کند؛ اما هر تفاهمی که از این طریق حاصل شود ناقص و سطحی است. چنان‌که از مطالب یاد شده برمی‌آید، بیان کامل و دقیق نیاز اطلاعاتی به هیچ‌وجه ممکن نیست و ما مجبور هستیم که به بیانی سطحی از مشکل اطلاعاتی بسنده کنیم و این بیان نارساتر از آن است که صرفاً با ارائه آن بتوانیم پیش‌بینی کنیم که مدارک مربوط به نیاز اطلاعاتی فرد باز یابی خواهد شد. به عقیده هارت این نیاز اطلاعاتی یا همان زمینه یا موقعیت شناختی پیوسته در حال تغییر است و حتی در حین مطالعه مدارک باز یابی شده از پایگاه اطلاعاتی نیز این تغییر وضعیت شناختی ادامه دارد. فرض کنید که در کاوش نظام اطلاعاتی، مدارکی در پاسخ به یک درخواست باز یابی شده است؛ هر کدام از این مدارک می‌تواند به‌عنوان یک پدیده در نظر گرفته شود، یعنی محرکی که استفاده‌کننده در معرض آن قرار می‌گیرد و این محرک می‌تواند سبب ایجاد تغییرات شناختی در حالت ذهنی او گردد. با خواندن هر مدرک، انگاره‌های خاصی ممکن است نمایان گردند. حال اگر این انگاره‌ها اثرات زمینه‌ای داشته باشند، استفاده‌کننده، آن مدرک را مربوط خواهد یافت و در غیر این صورت چنین ربطی وجود نخواهد داشت (۸).

قضاوت در مورد ربط

به عقیده هارتر براساس نظریه روان‌شناختی، قضاوت در مورد ارتباط مدارک، حالت ایستا ندارد، بلکه کنشی است از حالت ذهنی فرد در همان لحظه‌ای که منابع را مطالعه می‌کند. این قضاوت ثابت نیست و نباید تصور کرد که یک مدرک بخصوص برای پرسشی خاص، همیشه و توسط همه کس مربوط تلقی می‌شود.

ربط تصویری نظری است. استفاده‌کنندگان مختلف ممکن است نظرات متفاوتی در مورد ارتباط یا عدم ارتباط مدارک خاص یا پرسش‌های مطرح شده داشته باشند. ارزیابی‌هایی که استفاده‌کنندگان، در مورد مرتبط بودن مدارک انجام می‌دهند، علاوه بر ارتباط موضوعی مدارک، از عوامل متعدد دیگری اثر می‌پذیرد. در سال‌های اخیر پژوهش‌های متعددی برای شناسایی این عوامل انجام گرفته که نمونه‌ای از این تحقیقات، پژوهشی است که پارک^۱ در مورد ۱۰ استفاده‌کننده انجام داده است. وی در این پژوهش عوامل چندی را که بر قضاوت استفاده‌کنندگان در مورد مرتبط بودن مدارک اثر می‌گذارند، شناسایی کرده است. خلاصه این عوامل در جدول ۱ آمده است. این پژوهش نیز مانند پژوهش‌های متعدد دیگر نشان داد که ارزیابی مرتبط بودن برون‌داد نظام، تحت تأثیر شرایط درونی و برونی و عوامل روان‌شناختی چندی قرار دارد^(۹). با توجه به آنچه گفته شد، استفاده‌کننده اطلاعات به تأیید اکثر پژوهشگران بهترین مرجع قضاوت در مورد ارتباط مدرک با نیاز اطلاعاتی است. مربوط بودن یا نبودن یک مدرک در نهایت باید توسط استفاده‌کننده آن تعیین شود. کارایی نظام اطلاعاتی صرفاً به همان میزانی است که قادر باشد از طریق بازیابی مدارک مربوط، رضایت استفاده‌کننده را جلب کند^(۱۰). سوانسون عقیده دارد که قضاوت در مورد ارتباط مدارک، زمانی که توسط غیراستفاده‌کنندگان انجام گیرد. متناقض است و ارزیابی نظام‌های بازیابی اطلاعات اگر بر پایه این نوع قضاوت‌ها انجام گیرد، نتایج غیرقابل اعتمادی خواهد داشت^(۱۱). با توجه به نظریه روان‌شناختی و نگرش کاربر مدارک که شرح آن رفت ارتباط مدرک با نیاز اطلاعاتی تحت تأثیر عوامل متعددی قرار دارد که بسیاری از این عوامل فردی و روان‌شناختی است. بنابراین باید گفت که استفاده‌کننده اطلاعات تنها فردی است که می‌تواند در مورد کارایی آنچه بازیابی شده نظر بدهد و در مواردی که کاوش توسط واسطه‌های اطلاعاتی و بدون دخالت استفاده‌کننده انجام می‌گیرد عوامل بسیاری از جمله کاربرد مدرک یا اطلاعات برای استفاده‌کننده و زمینه و موقعیت شناختی وی به کلی نادیده گرفته می‌شود.

جدول ۱. گزیده‌ای از عوامل مؤثر قضاوت‌های ربط (شناسایی شده در پژوهش یازک)

دریافت و تصور استفاده‌کننده از اجزای مدارک

سبک عنوان

منزلت نویسنده

کیفیت مجله

نوع مقاله (مقاله تحقیقی، گزارش سمینار و غیره)

تاریخ انتشار

ویژگی‌های فردی استفاده‌کننده

تجربه (در مورد محلات، نویسندگان، وابستگی‌های سازمانی، عده)

نظری که از مسئله خود دارد

تخصصی که در حوزه مسئله خود دارد

آگاهی وی از مطالب منتشر شده

نجارب پژوهشی قبلی

آموزش و تعلیم

شرایط خارجی (تصوری که استفاده‌کننده از جنبه‌های مختلف کاوش دارد)

کیفیت کاوش

هدف یا منظور

دسترسی‌پذیری اطلاعات موجود

اولویت نیازهای اطلاعاتی

مرحله پژوهش

محصول‌نهایی مورد انتظار از پژوهش

شرایط مسئله (ویژگی‌های مشکل اطلاعاتی استفاده‌کننده)

درک استفاده‌کننده از گستره مسئله خود تا چه حد کامل است؟

آیا مدرک بازیابی شده می‌تواند در تعریف و درک مسئله کمک کند؟

آیا مدرک بازیابی شده می‌تواند در درک پیشینه یا روش بررسی مسئله کمک کند؟

آیا مدرک بازیابی شده مسئله را روشن‌تر می‌کند؟

آیا مدرک بازیابی شده چارچوب یا قیاسی که در کشف مسئله مفید باشد ارائه می‌دهد؟

آیا مدرک بازیابی شده مسئله را به مسیر جدید و جالب توجهی می‌کشاند؟

آیا اطلاعات تکراری است؟

نتیجه گیری

از آنچه که بیان شد چنین برمی آید که ربط در نظام‌های بازبایی اطلاعات مفهوم پیچیده‌ای است که توجه به جنبه‌های مختلف آن در راستای توسعه کیفی عملکرد نظام‌های بازبایی اطلاعات، اهمیت بسیار دارد. ارتباط مدرک با نیاز استفاده کننده، تنها در ربط موضوعی خلاصه نمی‌شود و عوامل شناختی و روان‌شناختی متعددی در این امر دخالت دارند. هر مورد کاوش از پایگاه‌های اطلاعاتی، موردی یگانه است که استفاده کننده اطلاعات ویژگی‌های فردی خود، اعم از دانش زمینه‌ای، تصویری که از نیاز اطلاعاتی خود دارد و بسیاری عوامل دیگر را در فرایند بازبایی، دخالت می‌دهد. قضاوت در ارتباط مدارک نیز، گذشته از ربط موضوعی، در زمینه و بستری از همین عوامل فردی انجام می‌گیرد. یافته‌های پژوهش‌های متعددی که در خصوص ربط انجام گرفته و در این مقاله به برخی از آنها اشاره شد. ضمن نشان دادن حساسیت مسئله کاوش از پایگاه‌های اطلاعاتی، این واقعیت را مطرح می‌کند که اخذ نتیجه مطلوب از خدمات نظام‌های بازبایی اطلاعات مستلزم توجه به نکات ظریفی است که نادیده گرفتن آنها کارآیی نظام‌های بازبایی اطلاعات را محدود خواهد کرد.

منابع

1. Saracevic, Tefko. Relevance: A review of and framework for the thinking on the notion in information science. *Journal of the American Society for Information Science*. 26 (1975): 321-343
2. Mizzaro, stefano. Relevance: the whole history. *Journal of the American Society for Information science*. 48, 9(1997): 810-832
3. Saracevic, Tefko. Relevance: A review of the Literature and a framework for thinking on the notion in information science. *Advances in Librarianship*. 6 (1979): 79-138. Quoted in Green, Rebecca. Topical relevance relationships 1. why topic matching fails? *Journal of the American society for Information science*. 46. 9(1995): 646-653.
4. Salton, Gerard and Michael, J. McGill. *Introduction to modern information retrieval*. singapor, Mcgrow- Hill, 1983.
5. Barry, C.L. user defined relevance criteria: An exploratory study. *Journal of the American society for Information science*. 45(1994): 149-159.
6. Lancaster, F.W. *information Retrieval systems: characteristics, testing and evaluation*. (2nd ed.) New York: John wiley and sons, 1979.
7. Soergel, D. Indexing and retrieval performance: The logical evidence. *Journal of the American society for Information science*. 45(1994): 589-599.

8. Harter, Stephen, P. Psychological Relevance and Information Science. *Journal of the American Society for Information Science*, 43, 9(1992).
9. Park, Taemin. The nature of relevance in information retrieval: An empirical study. unpublished doctoral dissertation, Indiana University. Quoted in Harter, Stephen, P. Variations in Relevance Assessments and the Measurement of Retrieval Effectiveness. *Journal of the American Society for Information Science*, 47, 1(1996): 37-49.
10. Rijsbergen, C.T. van. *Information Retrieval*. (2nd ed.). London: Butterworths, 1980.
11. Swanson, D.R. Historical Note: Information Retrieval and the Future of an Illusion. *Journal of the American Society for Information Science*, 39, 2(1988): 92-98.

